

04-09-2011

انوار الهی در دنیای ظلمانی

هرگاهی که به اطرافت نگاه میکنی، جز ظلمت و سیاهی، جنایت و زشتی، ریا کاری و مردم فریبی چیزی نمی بینی.

بلی ! در این ظلمتکدهء رنج گستر، که جهانش میخوانند، آیا واقعاً میتوانی جز از ناکسی و تذویر، دغا و مردم آزاری، انسان گشی و فریب کاری چیز دیگری ببینی !؟

تا نگاه میکنی انبوه ظلم است که تراکم کرده و امواج جنایت است که از کران تا کران توفان آفریده است. . .

اگر از فلسطین و عراق و افغانستان که قیامتگاه ظلم است و جنایتگاه زمان، بگذریم، آیا در کجای جهان جایی را خواهی یافت که "سرمایه" خون " ننوشد ؟

آیا پول بر شاهرگهای انسانیت، دندانهای "داراکولایی" اش را فرو نبرده است؟

آیا رنگ و ملیت، مذهب و جنسیت، ایدیولوژی و ایمان، کوتاه کلام، همه و همه، در جهت بقا و گسترش استعمار و استثمار و استحمار بکار گرفته نشده اند !؟

آیا در بحبوحه ی چنین اوضاع و احوال، در این تاریکنای ژرف و دهشتناک، میشود انتظار تلالوی نور و روشنی را داشت ؟ انتظار آن اشعهء طلایی رنگ لاهوتی را که بر ناسوت ظلمانی پرتو افشانی کند !؟

بلی! گاهگاهی میتوان جرقه هایی از انوار الهی را در پهنای این جهان ظلمانی نیز دید، ولی هیئات که آنهم تنها لحظه یی و لمحہ یی . . .

دقیقاً یادم نیست، چهار سال قبل از امروز و یا زیادتیر و کمتر بود که " طفل دوازده سالهء فلسطینی توسط گلوله ی تفنگ سرباز اسرائیلی کشته شد، دنانت و جنایتی که هر روز و هر هفته و هر ماه در ان قیامتگاه ظلم صورت می پذیرد . پدر داغدار آن کودک از دست رفته، پس از آنکه دانست فرزندش دیگر نفس بر نمی آرد، خطاب به طبیبان بیمارستان گفت: اکنون، پسر من را مثله کنید و اعضای بدنش را برای کودکان نیازمند اسرائیلی عنایت نمایید، بلی! من اعضای بدن فرزندم را برای نیازمندان اسرائیلی اهدا میکنم .

طبیبان و کارمندان بیمارستان از این تصمیم در حیرت فرو رفتند و مبہوت گردیدند، از تعجب گذشته بود، چی بگویم؟

فرزند تازه جوان فلسطینی مسلمان، بدست یهود اسرائیلی عمداً کشته میشود، اما پدر مقتول، اعضای بدن او را سخاوتمندانه برای کودکان اسرائیل هدیه میکند... چی بگویم و چگونه با حروف و کلمات این احساس را بنمایم؟

کوتاه کلام اینکه چند طفل نیازمند و معیوب اسرائیلی که به قلب و چشم و کلیه و ... نیاز داشتند، با پیوند اعضای سالم این طفل شهید فلسطینی زندگی سالم را آغاز نمودند.

خوب بیاد دارم! پدر اسرائیلی یی که فرزندش در اثر این تحفه معجزه آسا نجات یافته بود میگفت: حال قلب یک پسر فلسطینی در سینهء پسر من است، من تا زنده ام و نیرو در بدن دارم از شرف و بقای فلسطین و فلسطینی ها دفاع خواهم کرد .

و پدر دیگری که چشمان فرزندش از آن تحفه بینا شده بود میگفت که حالا پسر من جهانرا به چشم یک فلسطینی می بیند و میشناسد .

مادر طفل دیگر اسرائیلی که گُرده یا (کلیه) های از کار افتادهء فرزندش از پیوند گُرده های فرزند نامراد فلسطینی فعال شده بود، میگفت: محبت توسط این پدر فلسطینی در بدن فرزندم کاشته شده که تا اخیر عمرش کسی آنرا از او گرفته نمی تواند.

آری خواننده ی گرامی! همین دیروز بود.(بیست هشتم سپتمبر دو هزار وده) که خبر گزار ی های جهان خبری را به نشر سپاریدند مبنی بر حمله ی سربازان اسرائیلی بر کشتی حامل فعالان یهودی که غرض کمک به فلسطینیان عازم غزه بود .

در خبر آمده بودکه :

" ارتش اسرائیل میگوید، کنترل کشتی حامل 9 فعال یهودی را که قصد شکستن محاصرهء نوار غزه را داشتند به دست گرفته است ."

جالب است، بلی!؟

کشتی یی که حامل تجهیزات طبی، کتب درسی و اسباب بازی برای کودکان در بند فلسطینیان بوده است . . .

بنا بر گزارش ها، ده دستگاه دریا گرد جنگی اسرائیلی، کشتی فعالان یهودی را مجبور کردند به سوی بندر اسرائیلی "اشداد" حرکت کند .

یکی از مسوولان این برنامه گفت : سر نشینان کشتی که در بین شان یک یهودی هشتاد و دو ساله نیز میباشد و از "الوکاست" جان سالم بدر برده ،همچنان یکی دیگر از این فعالان، مرد اسرائیلی است که دخترش در اثر حملهء انتحاری یک فلسطینی گشته شده است .

چی بگویم ؟ اسرائیلی که دخترش در اثر حملهء انتحاری یک فلسطینی گشته شده است، میاید که محاصره غیر انسانی و غیر قانونی اسرائیل را بشکند الهیات و یا هم طفل دوازده سالهءفلسطینی که بدست عسکر اسرائیلی گشته میشود ،پدرش اعضای بدن او را به نیازمندان اسرائیلی تحفه میدهد..... باورتان میشود ؟

آیا ظهور و نمایش چنین اندیشه و کردار را نمیتوانیم " انوار الهی دردنیای ظلمانی" نام نهیم!؟

بلی! پاینده و وسعت افزا باد این نور خداوندی در این دنیای ظلمانی .

29 سبتمبر 2010 میسیساگہ

انتاریو کانادا

